

پرسش ۶۹: معنای آنچه در دعای سمات آمده است (و به مجد تو که بر طور سینا نمایان گشت).

سؤال / ۶۹: ما معنى ما ورد في دعاء السمات: (وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء فكلمت به عبدك ورسولك موسى بن عمران (عليه السلام)، وبطلعتك في ساعير، وظهورك في جبل فاران بربوات المقدسين وجنود الملائكة الصافين وخشوع الملائكة المسبحين)؟

معنای این فقره که در دعای سمات آمده چیست؟ (و بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ وَبَطَلَعْتَكَ فِي سَاعِيرٍ وَظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ بَرَبَوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِينَ وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ) (و به مجد تو (درخشش تو) که بر طور سینا نمایان گشت، پس به وسیله ی آن با بنده و فرستاده ات موسی بن عمران سخن گفתי، و به طلوع تو در ساعیر (محل تولد و بعثت حضرت عیسی (علیه السلام)) و به ظهور تو در کوه فاران (کوهی نزدیک مکه و محل مناجات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)) و گروه کثیری از مقدسان و سپاه منظم فرشتگان و خشوع کروبیان تسبیح گوی).

الجواب: (ساعیر) هي أرض العبادة والتوحيد وهي الأرض المقدسة، أي بيت المقدس وما حوله. و(فاران) ملجأ الاستغفار والتوبة وهي مكة وما حولها. والنبی (صلی الله علیه و آله و سلم) الذي بُعث في ساعير هو عيسى (عليه السلام)، والذي بُعث في فاران هو محمد (صلی الله علیه و آله و سلم).

پاسخ: (ساعیر) سرزمین عبادت و توحید است و همان سرزمین مقدس می باشد؛ یعنی بیت المقدس و پیرامون آن (فاران) پناهگاه استغفار و توبه، یعنی مکه و گرداگرد آن می باشد. پیامبری که در ساعیر به بعثت رسید حضرت عیسی (علیه السلام) و آن که در فاران مبعوث شد، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد.

أما المجد الذي ظهر على طور سيناء فكلم به الله سبحانه وتعالى موسى (عليه السلام) فهو علي (عليه السلام)، وهو باب الفيض في الخلق، فعلي (عليه السلام) مكلم موسى (عليه السلام)، وعلي (عليه السلام) عصا موسى (عليه السلام)، فحقيقة عصا موسى (عليه السلام) لم تكن تلك العصا، بل إن عصا موسى الحقيقية التي شقّ بها البحر هي كلمات الله (عزوجل) (كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ) [171]، وهي اليقين الراسخ في قلب موسى (عليه السلام)، وكلمات الله واليقين: علي بن أبي طالب (عليه السلام).

و اما مجد و شكوهی که بر طور سینا نمایان شد و خداوند سبحان و متعال با آن با موسی (عليه السلام) سخن گفت، حضرت علی (عليه السلام) است و او باب فیض به سوی خلق می باشد. علی (عليه السلام) سخنگو با موسی (عليه السلام) بود، و علی (عليه السلام) عصای موسی (عليه السلام) بود. در واقع عصای موسی (عليه السلام)، آن عصایی (که در دستش بود) نبود؛ بلکه عصای حقیقی موسی (عليه السلام) که با آن دریا را شکافت، عبارت بود از کلمات خداوند (عزوجل): (هرگز، پروردگار من با من است و مرا راهنمایی خواهد نمود) [72] و همان یقین راسخ در قلب موسی (عليه السلام) بود؛ و کلمات خدا و یقین یعنی علی بن ابی طالب (عليه السلام).

وأما (وبطلعتك في ساعير): أي طلعة الله سبحانه في ساعير، والله سبحانه وتعالى طلع في ساعير بعيسى بن مريم (عليه السلام)، والطلعة أي الإطلاة والظهور الجزئي غير المكتمل، فعيسى (عليه السلام) مثل الله سبحانه وتعالى في الخلق، ولكن بشكل غير تام، ولهذا كان بعثه طلعة الله سبحانه وتعالى، وبهذا كان عيسى (عليه السلام) ممهداً لبعث محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)؛ لأنّ الطلعة تسبق الظهور.

و اما (وَبَطَّلَعَتِكَ فِي سَاعِيرٍ) (و به طلوع تو در ساعیر): یعنی طلوع خداوند سبحان در ساعیر؛ و خداوند سبحان و متعال در ساعیر با عیسی بن مریم متجلی شد و طلوع کرد. طلعت به معنی ظهور جزئی ناکامل می باشد. بنابراین عیسی (عليه السلام) تبلور خدای سبحان و متعال در خلق بود ولی نه به صورت کامل و از همین رو، بعثت او، طلوع

خداوند سبحان و متعال بود و به این ترتیب، عیسی (علیه السلام) زمینه‌ساز بعثت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد؛ چرا که طلوع، پیش از ظهور است.

(وظهورك في جبل فاران): أي ظهور الله سبحانه وتعالى، وكان هذا الظهور ببعث محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فالرسول الأعظم محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) هو الله في الخلق، ولهذا عبّر الإمام (عليه السلام) في الدعاء عن بعث محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بظهور الله سبحانه، فالإمام (عليه السلام) يريد أن يقول في الدعاء إنَّ محمداً (صلی الله علیه و آله و سلم) هو الله في الخلق، وإنَّ بعثه هو ظهور الله، فمن عرف محمداً (صلی الله علیه و آله و سلم) عرف الله، ومن رأى محمداً (صلی الله علیه و آله و سلم) رأى الله، ومن نظر إلى محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نظر إلى الله.

(وَ ظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ) (و ظهور تو در کوه فاران): یعنی ظهور خداوند سبحان و متعال؛ و این ظهور، با بعثت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) صورت پذیرفت. بنابراین فرستاده‌ی اعظم -حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)- همان خدای در خلق است و از همین رو امام در دعا، از بعثت آن حضرت به ظهور خدای سبحان تعبیر نمود. امام (علیه السلام) می‌خواهد در قالب دعا بفرماید که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) همان خدای در خلق، و بعثت او، ظهور خداوند است؛ پس کسی که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را بشناسد خدا را شناخته، و کسی که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را ببیند خدا را دیده، و کسی که به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نظر افکند، به خدا نظر افکنده است.

وهذه الحقائق اليوم بدأت تظهر وتبين بفضل الإمام المهدي (عليه السلام)، قال تعالى: (وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا) (173)، والشمس: رسول الله محمد، والقمر: علي بن أبي طالب (عليه السلام)، فهو من تلا رسول الله، والنهار: هو القائم (عليه السلام) (174)؛ لأنه هو الذي يظهر ويجلي فضل رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) الحقيقي، ومقامه العظيم.

امروزه به فضل امام مهدی این حقایق در حال ظهور و روشن شدن است. حق تعالی می‌فرماید: (سوگند به خورشید و برآمدن آفتابش * و سوگند به ماه چون از پی آن برآید * و سوگند به روز چون آن را روشن کند). [75] خورشید، پیامبر خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، و ماه، علی بن ابی طالب (علیه السلام) می‌باشد که از پی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است. روز هم، قائم (علیه السلام) می‌باشد [76]؛ زیرا او همان کسی است که فضل واقعی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و مقام عظیم آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) را ظاهر و متجلی می‌سازد.

ومع أنه في الحقيقة الموجودة في هذا العالم الجسماني أنّ الشمس هي التي تجلي النهار وتظهره، ولكنّ الله (عزوجل) قال في هذه السورة: والنهار إذا جلاها (أي الشمس)، فالإمام المهدي (عليه السلام) صحيح أنه ظهر وتجلي من رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) ، ولكنه في آخر الزمان هو الذي يظهر ويجلي رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) للناس.

طبق آنچه در واقع در این عالم جسمانی وجود دارد، این خورشید است که روز را روشن می‌کند و ظاهرش می‌سازد؛ ولی خداوند در این سوره می‌فرماید: (سوگند به روز که آن (یعنی روز) را روشن می‌کند). این درست است که امام مهدی (علیه السلام) تجلی و ظهوری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد؛ ولی در آخر الزمان او کسی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را برای مردم روشن و آشکار می‌سازد.



[71] - الشعراء : 62.

[72] - شعرا: 62.

[73] - الشمس : 1 - 3.

[74] - عن الحارث الأعور للحسين بن علي عليهما السلام: (يا بن رسول الله جعلت فداك أخبرني عن قول الله في كتابه المبين: (والشمس وضحاها) قال: ويحك يا حارث محمد رسول الله، قال: قلت: (والقمر إذا تلاها) قال: ذلك أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (عليه السلام)، يتلو محمداً (صلى الله عليه وآله وسلم)، قال: قلت قوله: (والنهار إذا جلاها) قال: ذلك القائم (عليه السلام) من آل محمد (عليه السلام) يملأ الأرض عدلاً وقسطاً (بحار الأنوار: ج 24 ص 79).

[75] - شمس: 1 تا 3.

[76] - از حارث بن اعور نقل شده است که به حسین بن علی (علیه السلام) عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، فدایت شوم! از این سخن خداوند در کتاب مبینش (وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا) (سوگند به خورشید و برآمدن آفتابش) مرا باخبر فرما. فرمود: (وای بر تو ای حارث! منظور محمد رسول خداست (صلى الله عليه وآله وسلم)). راوی گوید: عرض کردم: (وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا) (و سوگند به ماه چون از پی آن برآید). فرمود: (او امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) است که از پی محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) برآمد). به ایشان عرض کردم: (وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا) (و سوگند به روز چون آن را روشن کند). فرمود: (قائم ع از آل محمد (علیه السلام) است که زمین را از قسط و عدل پر می کند). بحار الانوار: ج 24 ص 79.